

The Analysis of Cooperatives' Social Entrepreneurship in Line with the General Policies of Employment



*Fazel Saydi¹, Mohammad Zakeri², Zoleikha Morsaliarzanagh³

1. PhD of Public Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran
2. PhD of Public Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran
3. MA of Financial Management, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University Qazvin Branch, Qazvin, Iran



Citation: Saydi, F., Zakeri, M., & Morsaliarzanagh, Z. (2021). [The Analysis of Cooperatives' Social Entrepreneurship in Line with the General Policies of Employment]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9 (2), 418-443. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.232776.2074>

<https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.232776.2074>



20.1001.1.23452544.1400.9.34.7.5



Funding: See Page 439

Received: 22/06/2021

Accepted: 21/12/2020

Available Online: 25/05/2020

Article Type: Research paper

Key words:

Social entrepreneurship; information technology capability; work culture; production cooperatives; general policies of employment.

ABSTRACT

The aim of this research is to investigate the social entrepreneurship of cooperatives in line with general policies of employment. It takes a confirmatory cross-sectional practical research design. It uses surveys and field study data collection. A standard questionnaire is employed to measure the information technology capabilities, cultural entrepreneurship, and work culture which consists of 21 questions. The validity was confirmed through CVR and CVI panels of experts. The reliability of the model was confirmed through Cronbach alpha, mixed, and shared reliabilities. The population consisted of the managers in the production cooperatives who used the sampling program of G power with 0.1 alpha level and balance test of 0.85%, which resulted in 171 samples. The structural equation modeling was used to test out the assumptions of the research. The data was also fed into SPSS (version 24) and Smart: PLS (version 3). The findings showed that the information technology capability has a positive significant effect on social entrepreneurship. Also, the work culture has a significant impact on social entrepreneurship. The moderating role of work culture was confirmed as well.

JEL Classification: L26, L31, P13, Q13.

* Corresponding Author:

Fazel Saydi, PhD

Address: Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran

Tel: +98 (912) 6546452

E-mail: fazelsaidi1366@gmail.com

تحلیل کارآفرینی اجتماعی شرکت‌های تعاونی در راستای سیاست‌های کلی بخش اشتغال

* فاضل سیدی^۱، محمد ذاکری^۲، زلیخا مرسلی ارزنق^۳

۱. دکترای مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. دکترای مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران



20.1001.1.23452544.1400.9.34.7.5

چکیده

تاریخ دریافت: ۵ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱ دی ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱ تیر ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

هدف این پژوهش تحلیل کارآفرینی اجتماعی در شرکت‌های تعاونی در راستای سیاست‌های کلی بخش اشتغال است. تحقیق حاضر از دیدگاه پارادایم‌شناسی اثبات‌گرا، به‌لحاظ مخاطب‌شناختی کاربردی، از نظر روش پیمایشی، به‌لحاظ قلمروی زمانی در حوزه تحقیقات مقطعی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها نیز میدانی است. ابزار گردآوری داده‌ها برای اندازه‌گیری متغیر قابلیت‌های فناوری اطلاعات، کارآفرینی اجتماعی و فرهنگ کار پرسش‌نامه استاندارد است که شامل ۲۱ سؤال برای سنجش کل متغیرهای تحقیق است. روایی محتوا به‌وسیله CVI و CVR و پانل خبرگان تأیید شد. روایی سازه و پایایی مدل نیز با استفاده از آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایای اشتراکی بررسی و تأیید شد. جامعه آماری تحقیق مدیران بخش تعاونی‌های تولیدی است که با استفاده از نرم‌افزار تعیین حجم نمونه G power در سطح آلفای ۰/۱ و توان آزمون ۰/۸۵ درصد، ۱۷۱ نفر به‌عنوان نمونه نهایی تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. همچنین نتایج پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS (نسخه ۲۴) و Smart: PLS (نسخه ۳) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد قابلیت فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی تأثیر معناداری دارد. همچنین فرهنگ کار بر کارآفرینی اجتماعی اثربخشی معناداری داشته است. نقش تعدیلگر فرهنگ کار نیز مورد تأیید قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها:
کارآفرینی اجتماعی،
قابلیت فناوری
اطلاعات، فرهنگ کار،
تعاونی‌های تولیدی،
سیاست‌های کلی بخش
اشتغال.

طبقه‌بندی JEL: L26, L31, P13, Q13.

* نویسنده مسئول:

دکتر فاضل سیدی

نشانی: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تلفن: +۹۸ (۹۱۲) ۶۵۴۶۴۵۲

پست الکترونیک: fazelsaidi1366@gmail.com

۱. مقدمه

طی ۲۵۰ سال گذشته، رویکردهای متنوعی برای استنباط کارکرد کارآفرینی در توسعه جوامع به کار گرفته شده است. از جمله پیامدهای نظری و مدیریتی کارآفرینی در مشاغل اجتماعی را می‌توان در کارآفرینی اجتماعی جست‌وجو کرد. با ظهور بحران رکود جهانی در سال‌های اخیر، کارآفرینی اجتماعی در جهت پاسخ‌گویی به سؤالات اجتماعی در درون اقتصاد جوامع، به‌عنوان راهکاری در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی، مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است (Wannamakok & Chang, 2020).

تمرکز و هدف اصلی در کارآفرینی اجتماعی، ایجاد ارزش اجتماعی و تولید ثروت اجتماعی است. همچنین کارآفرینی اجتماعی معطوف به تغییر اجتماعی است؛ زیرا پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی از سوی کارآفرینان پتانسیل تغییر اجتماعات محلی را فراهم می‌آورد. همان‌طور که مایر و متی نیز بیان کردند، کارآفرینی اجتماعی معطوف به پاسخ‌گویی نیازهایی است که به‌طور مستقیم پاسخ داده نشده‌اند؛ نیازهایی که با پاسخ به آن‌ها، کیفیت اجتماع محلی تغییر می‌کند و به‌معنای دیگر نوعی تغییر اجتماعی رخ می‌دهد (Malunga, Gervase, Iwu & Viri- mai Mugobo, 2014).

اهمیت کارآفرینی اجتماعی در امر توسعه به اقداماتی در اجتماع محلی اشاره دارد که طی فرایندی به ساخت و یا تبدیل نهادهای موجود به نهادهایی بهتر برای حل مسائل اجتماعی و ایجاد زندگی بهتر و توسعه اشتغال و کاهش فقر و نرخ بیکاری منتهی می‌شود (Nega & Schneider, 2014). از جمله ظرفیت‌های موجود فراروی کارآفرینان اجتماعی شرکت‌های تعاونی است. شرکت‌های تعاونی به‌دلیل ماهیت اجتماعی‌شان، زمینه مشارکت افراد هم‌صنف را فراهم می‌کنند. در حوزه فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی، کارآفرینی اجتماعی در دو جهت کلی می‌تواند مفهوم‌سازی شود. اول اینکه، کارآفرینی اجتماعی منجر به کسب مزیت رقابتی پایدار برای شرکت‌های تعاونی می‌گردد و دوم آنکه، زمینه و بستر تحقق رسالت اجتماعی تعاونی‌ها را فراهم می‌آورد (Lan, Zhu, Ness, Xing & Schneider, 2014). در زمینه اهمیت کارآفرینی اجتماعی در شرکت‌های تعاونی، پژوهش‌ها نشان می‌دهد تعاونی‌ها از منظر توسعه اقتصادی، به‌عنوان بخش غیرانتفاعی و اجتماعی، به‌دلیل ماهیت اجتماعی و نقش‌های متنوع آن، ابزار مناسبی برای کارآفرینان اجتماعی محسوب می‌شود (Figueiredo & Franco, 2018).

بررسی مبانی نظری کارآفرینی اجتماعی بیانگر ضرورت به‌کارگیری فناوری اطلاعات در جهت ارتقای سطح کارآفرینی در حوزه کسب‌وکارهای اجتماعی است. همان‌گونه که محققان پیشین بیان کردند، بیش از ۵۰ درصد شرکت‌های مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی فاقد مهارت‌ها و قابلیت‌های لازم فناوری اطلاعات هستند (Lyver & Lu, 2018). بنابراین

قابلیت‌های فناوری اطلاعات عملکرد کارآفرینی را در شرکت‌های تعاونی بهبود می‌بخشد (Be-[litski & Khalil, 2020](#)). قابلیت‌های فناوری اطلاعات از کارآفرینی اجتماعی، با تسهیل‌سازی و فعالیت‌های کارآفرینی از طریق ساخت محیط تکنولوژیکی در شرکت حمایت می‌کند. از سوی دیگر فرهنگ از عوامل مؤثر بر موفقیت فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی است. دانشمندان پیشین این حوزه بیان کرده‌اند که فرهنگ، به‌منزله ارزش اجتماعی، در کارآفرینی اجتماعی اثرگذار است. بدین روی عامل فرهنگ می‌تواند سیستمی انسانی با محوریت ارزش‌های اشتراکی ایجاد کند که زمینه‌های توسعه و رشد مشارکت اجتماعی افراد و در فراروی آن عملکرد بهینه کارآفرینی اجتماعی را تسهیل نماید.

به‌گفته یوگی و فرینالدی (2020)، «فرهنگ کار در بهره‌وری کارکنان با استفاده از فناوری اطلاعات» اثرگذار است. فرهنگ در محیط کار، به‌مثابه یکی از رویکردهای فرهنگ، با ایجاد پیوند اجتماعی به ثبات سازمان کمک شایانی می‌کند. بنابراین فرهنگ کاری مناسب می‌تواند در کارآمدسازی و عملکرد بهینه افراد در محیط کاری اثربخش باشد. فرهنگ کار ارزش‌ها، اعتقادات، توجه به پیمان‌ها و نگرش‌های رفتاری در افراد، استفاده بهینه از ابزارها و قابلیت‌های سازمانی است.

در ایران به‌دلیل رشد جمعیت طی دهه‌های اخیر و افزایش تقاضا و ورود نیروی کار جدید، بحث درباب بیکاری و افزایش نرخ اشتغال به یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی - اجتماعی تبدیل شده که در کانون توجه تصمیم‌سازان و جامعه نیز قرار گرفته است (عزتی، حیدری و مریدی، ۱۳۹۹). بنابراین توجه به مقوله کارآفرینی گامی مثبت در پاسخ‌گویی به چالش‌هایی نظیر کاهش نرخ بیکاری و توسعه خواهد بود. شرکت‌های تعاونی نقشی اساسی در اقتصاد ملی دارند. ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات و فناوری، به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمروی امور حاکمیتی، از اهداف چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. در این بین، براساس ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولیدی و گزارش شفاهی مدیران شرکت‌های تعاونی تولیدی و با عنایت به سیاست‌های کلی بخش اشتغال که به متغیرهای پژوهش پرداخته است، به‌نظر می‌رسد باوجود اهمیت شرکت‌های تعاونی تولیدی در رشد و توسعه اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری و بهبود اشتغال، نقش کارآفرینی در ارتقای فعالیت‌های اقتصادی این شرکت‌ها رشد مطلوبی نداشته است. ضرورت پژوهش حاضر در راستای توجه به مسائل عمومی کشور و بومی‌سازی و کاربردی کردن تحقیقات مطابق با سیاست‌های اسناد بالادستی است. این تحقیق به‌دلیل هم‌راستا بودن با بند ۱ و ۶ سیاست‌های کلی بخش اشتغال که به موضوع فرهنگ کار، کارآفرینی و فناوری در بخش تولید می‌پردازد و همچنین بند ۵ که به لزوم حمایت از تعاونی‌ها به‌عنوان یکی

از محورهای توسعه اقتصادی و ارتقای اشتغال در کشور اشاره دارد، از اهمیت برخوردار است. همچنین با توجه به آنکه تا کنون پژوهشی با موضوع تحقیق حاضر در کشور انجام نشده است، نتایج تحقیق می‌تواند از حیث مفاهیم نظری به ادبیات کارآفرینی اجتماعی و از حیث صنعت به شرکت‌های تعاونی دانش‌افزایی کند. بنابراین از طریق تحقیق میدانی و با رویکرد اثبات‌گرایی، به تحلیل تأثیر قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی، با توجه به نقش تعدیلگر فرهنگ کار به‌عنوان عوامل مؤثر، مندرج در سیاست‌های کلی بخش اشتغال و اسناد فرادستی پرداخته‌ایم تا بتوان این شکاف و نیاز پژوهشی را در کشور به‌لحاظ اهمیت زمانی، با توجه به چالش‌های پیش‌روی بخش اشتغال و توسعه بخش تعاون، پر کرد. در این راستا سؤال اصلی پژوهش بدین قرار تنظیم شد:

تأثیر قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی با تأکید بر نقش تعدیلگر فرهنگ کار در شرکت‌های تعاونی به چه میزان است؟

براساس این دیدگاه به ارائه مدل پژوهش، سؤالات و فرضیه‌های تحقیق مطابق با چارچوب مفهومی طرح می‌پردازیم.

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

H1: قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی تأثیر دارد.

H2: فرهنگ کار رابطه قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی را تعدیل می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

زمانی که بخش خصوصی توانایی یا رغبتی برای پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای اجتماعی را ندارد، کارآفرینی اجتماعی، به‌عنوان راهبردی اثرگذار، از سوی تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران عمومی برای رفع این مشکلات مورد تأکید قرار می‌گیرد (فاضلی، طولابی و پوراشرف، ۱۳۹۸).

در حال حاضر، بانک اطلاعاتی ارزشمندی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره کارآفرینی اجتماعی در دسترس پژوهشگران قرار دارد. عمده این پژوهش‌ها به تعاریف کارآفرینی اجتماعی به‌منزله مفهومی چندبعدی همچون گرایش بازار، ایجاد ارزش اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی و مفاهیم فرعی مرتبط با آن همچون فرهنگ، فناوری اطلاعات و نوآوری می‌پردازد که تحت تأثیر عوامل محیطی و عدم اطمینان محیطی قرار دارند. بنابراین عوامل محیطی و عدم اطمینان قرار داشتن کارآفرینی اجتماعی نیازمند بررسی‌ها و پژوهش‌های بیشتر است (Sengupta, Sahay & Croce, 2018).

کارآفرینان اجتماعی افرادی هستند که با پرداختن به چالش‌های اجتماعی، برای ایجاد ارزش‌های اجتماعی سازمان‌ها را مدیریت و رهبری می‌کنند. کارآفرینان اجتماعی می‌توانند از طریق بخش‌های تجاری و کسب‌وکارها و یا سازمان‌های غیرانتفاعی به ایجاد اشتغال برای مجموعه افراد بپردازند (Stephan & Drencheva, 2017). اهداف اولیه کارآفرینان اجتماعی نیز به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی ترسیم می‌شود. کارآفرینان اجتماعی فقط منفعت مالی را برای سرمایه‌گذاران خود در نظر نمی‌گیرند؛ بلکه کمک می‌کنند تا برای بخش‌های معینی از اجتماع یا جامعه بزرگ‌تر فوایدی را به‌دست آورند. از این رو کسب‌وکارهای ایجادشده توسط کارآفرینان اجتماعی می‌توانند درآمدزا باشند و یا به‌عنوان نهادهایی غیرانتفاعی سازمان‌دهی شوند (Skica & Daszyńska-Żygadło, 2013). شرکت‌های تعاونی برای ارتقای توسعه عملکرد بهینه خود باید توانایی جمع‌آوری اطلاعات فنی و بازار را به‌صورت مؤثر به‌دست آورند. بدین سبب قابلیت‌های فناوری اطلاعات می‌تواند از طریق گسترش ارتباطات درون و برون سازمانی چالش‌های پیش‌روی شرکت‌های تعاونی را تسهیل کند (Song, Nason & Di Benedetto, 2008).

فناوری اطلاعات انقلابی است که هدف آن ایجاد ساختار الکترونیکی است و کاربرد هوشمندانه آن تبادل اطلاعات را به‌صورت اینترنتی امکان‌پذیر می‌سازد، از ورود اطلاعات زاید جلوگیری می‌کند، اطلاعات مورد نیاز را در زمان کم فراهم می‌آورد و به مدیران اجازه می‌دهد که اطلاعات پیچیده را به‌صورت مؤثرتری دریافت و پیگیری کنند (ibid.). بنابراین قابلیت‌های فناوری اطلاعات با ایجاد بسترسازی راهبردی، مدیران و سازمان را توانمند می‌سازد تا اطلاعات و داده‌های مورد نیاز را برای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های خود جمع‌آوری، پردازش و اجرایی نمایند. بدین سبب شرکت‌های تعاونی و کارآفرینان اجتماعی می‌توانند با توسعه قابلیت‌های فناوری اطلاعات، تحقق اهداف را سرعت بخشند (استرکی، یزدانی، حکیم و کردنائیج، ۱۳۹۷).

از سویی کانون توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی کار و اشتغال و همچنین مدیران شرکت‌ها و صاحبان کسب‌وکارها معطوف به فرهنگ کار است؛ زیرا اشراف بر فرهنگ کار عملکرد کارکنان و به‌طور کلی عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد (سفیری، عطاللهی و عابدینی سانجی، ۱۳۹۲). ارزش‌های محیط‌های کاری در جهت هم‌زیستی اجتماعی از طریق خلق فرهنگ متناسب می‌تواند شرکت را کارآمد کند. فرهنگ سیستمی ایجاد می‌کند که از طریق رفتارهای مشترک و عواطف در بین افراد به همکاری در محیط کار می‌پردازد. ساختار فرهنگی پویا نه‌تنها در محیط‌های اجتماعی، بلکه در ارتقای عملکرد بهینه افراد نیز نقش مؤثری دارد. بر این اساس می‌توان پذیرفت که فرهنگ ابزاری است که به‌وسیله آن افراد بر مبنای خصوصیات مشترک می‌توانند همکاری کنند. در این زمینه، فرهنگ کار، به‌عنوان خرده‌فرهنگ مؤثر در محیط کار، بر ارتقای نظم، کاهش حجم کار و استفاده بهینه از ابزارها

و قابلیت‌ها اثرگذار است. فرهنگ کار مجموعه‌ای از ارزش‌های مهم راجع به فعالیت‌های کاری است.

در این راستا پیرس، گرافمان، کالج و لیگ (2019) تحقیقی باعنوان «استفاده از فناوری اطلاعات، کارآفرینی اجتماعی و همکاری جهانی برای توسعه پایدار» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که استفاده از فناوری اطلاعات و قابلیت‌های آن در کارآفرینی اجتماعی و ارتقای توسعه پایدار تأثیر معناداری دارد هدف دزمبک، موکاد و مهتا (2016) در پژوهش خود باعنوان «انگیزه افراد شرکت‌کننده در یک برنامه کارآفرینی اجتماعی مبتنی بر فناوری» شناسایی انگیزه دو گروه پسران و دختران دانشگاهی در اجرای برنامه‌های کارآفرینی اجتماعی مبتنی بر فناوری اطلاعات بود. نتایج نشان داد استفاده از تئوری‌های آموخته‌شده در حوزه‌های فناوری اطلاعات و به‌کارگیری آن در کارآفرینی اجتماعی برای حل مشکلات واقعی از انگیزه هر دو گروه است.

اسماعیل، سوהל و آیونیزا (2012) در تحقیقی باعنوان «سرمایه‌گذاری فناوری اجتماعی: نوآوری جدید از کارآفرینی اجتماعی؟» از طریق پژوهشی اکتشافی و مصاحبه نتیجه گرفتند که استفاده خلاقانه از فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی تأثیر می‌گذارد. یوگی و فرینالدی (2020) پژوهشی باعنوان «فرهنگ کار، یکپارچگی و فناوری اطلاعات از عملکرد کارکنان» انجام دادند و در یافته‌های پژوهش خود اظهار کردند که فرهنگ کار و فناوری اطلاعات بر عملکرد کارکنان اثر دارد.

سونگ و دیگران (2008) بررسی تأثیر فرهنگ کار، یکپارچگی و فناوری اطلاعات از عملکرد کارکنان پرداختند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها، فرهنگ کار و یکپارچگی فناوری اطلاعات بر عملکرد کارکنان شرکت در محیط کار تأثیر معناداری دارد.

مرور مطالعات داخلی نیز نشان می‌دهد اگرچه فرضیه‌های این پژوهش در تحقیقات داخلی تا کنون مورد ارزیابی قرا نگرفته، پژوهش‌هایی نزدیک به این تحقیق انجام شده است. در این میان می‌توان به این مطالعات اشاره کرد: فلاح‌حقیقی، حاجی‌حسینی، رمضان‌پور و داوری (۱۳۹۶) تحقیقی باعنوان «شناسایی و تحلیل عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات» انجام دادند. در این تحقیق که با رویکرد اکتشافی انجام شده، با بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های خبرگان این حوزه که شامل کارشناسان و مدیران وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات بودند، از فن دلفی در سه مرحله بهره گرفته شد. براساس یافته‌های پژوهش، عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات را می‌توان حمایت از کارآفرینان، ترویج کارآفرینی، توسعه کارآفرینی و خدمات پشتیبانی، فنی و مدیریتی نام برد. عنوان پژوهش حسینی گل‌افشانی و صمدزاده (۱۳۹۷) هم «تعیین رابطه فناوری اطلاعات و ارتباطات با کارآفرینی سازمانی و مدیریت تغییر

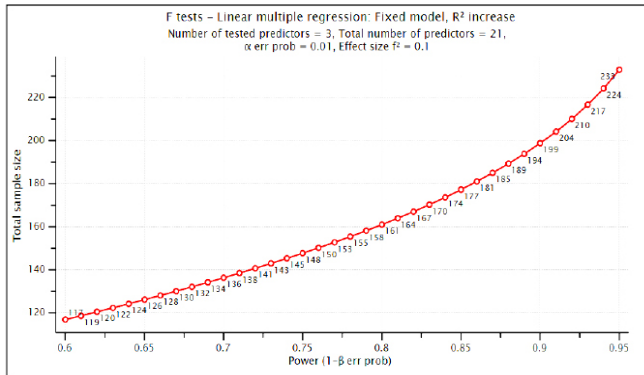
از دیدگاه کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمانشاه» بود که با روش تحقیق توصیفی و هم‌بستگی انجام شد. نتایج تحقیق ایشان نشان داد بین فناوری اطلاعات و ارتباطات با کارآفرینی سازمانی و مدیریت تغییر از دیدگاه کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمانشاه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۳. چارچوب نظری

کارآفرینی اجتماعی فرایندی پویا با هدف ایجاد ارزشی جدید در بازار است. در واقع کارآفرینی اجتماعی فعالیت‌هایی است که لزوماً شامل سرمایه‌گذاری جدید نیست؛ بلکه فرایندی پویا برای پیگیری مستمر و بهره‌برداری از فرصت‌ها از طریق کارآفرینی است که می‌تواند برای چالش‌های اجتماعی موجود بازار، راه‌حل‌هایی تجاری ارائه کند. در این دیدگاه، کارآفرینی اجتماعی از طریق درآمد و سرمایه‌گذاری روش‌های تجاری مبتنی بر مأموریت اجتماعی است (Weerakoon, McMurray, Rametse & Douglas, 2016). از جمله عوامل متعددی که حول کارآفرینی اجتماعی به‌عنوان عوامل اثرگذار و پیشاینده مطرح است، نقش فناوری اطلاعات است. در این زمینه پیرس و دیگران (۲۰۱۹) گزارش کردند بهره‌گیری از قابلیت‌های فناوری اطلاعات می‌تواند فرایند کارآفرینیان اجتماعی را تسهیل کند. همچنین یوگی و فرینالدی (2020) به نقش فرهنگ کار در ارتقابخشی به فعالیت‌های کارآفرینی پرداختند.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از دیدگاه پارادایم‌شناسی، اثبات‌گراست؛ زیرا بر واقعیت‌های قابل مشاهده و آزمون‌پذیر استوار است. به‌لحاظ مخاطب‌شناختی نیز، کاربردی است؛ زیرا نتایج آن برای شرکت‌های تولیدی مفید خواهد بود. به‌لحاظ روش، پیمایشی و به‌لحاظ قلمروی زمانی در حوزه تحقیقات مقطعی است. جامعه آماری تحقیق را مدیران تعاونی‌های تولیدی تشکیل می‌دهد. برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار تخصصی تعیین حجم نمونه G-POW-ER بهره گرفته شد. براساس دیدگاه کوهن، هرچه سطح خطای آلفا کمتر گرفته شود، میزان تعمیم‌پذیری نیز افزایش می‌یابد؛ به‌عبارتی پژوهشگر کمتر مرتکب خطای نوع اول می‌گردد. همچنین هرچه توان آزمون بالاتر گردد، احتمال کاهش خطای نوع دوم کمتر خواهد بود (Cohen-Tannoudji, Dupont-Roc & Grynberg, 1998). بنابراین در سطح خطای ۰/۱ و توان آزمون ۰/۸۵ درصد به تعیین حجم نمونه پرداختیم. از آنجا که تعداد متغیرهای مکنون پژوهش ۳ مورد (قابلیت‌های فناوری اطلاعات، کارآفرینی اجتماعی و فرهنگ کار) بود، به اجرای تعیین حجم نمونه در نرم‌افزار G-POWER پرداختیم تا نمونه پژوهش برای پدید معنادار با قابلیت تعمیم‌پذیری بالا به جامعه باشد. شکل ۱ خروجی نرم‌افزار برای تعیین حجم نمونه پژوهش را نشان می‌دهد.



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۱. نمودار بر آورد حجم نمونه

مطابق با خروجی نرم‌افزار، براساس شکل ۱، در سطح آلفای ۰/۱ و توان آزمون ۰/۸۵ درصد، نمونه آماری پژوهش ۱۷۱ مورد برآورد شد. روش نمونه‌گیری نیز به صورت تصادفی ساده بوده است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق بعد از مطالعه کتابخانه‌ای، از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد. روایی محتوای ابزار جمع‌آوری داده‌ها از طریق CVI و CVR و تشکیل پانل خبرگان تأیید شد. پرسش‌نامه مذکور شامل دو بخش بود. بخش اول پرسش‌های عمومی در خصوص مشخصات جمعیت‌شناختی یا دموگرافیک (جنسیت، سن، سطح تحصیلات و سنوات خدمت پاسخ‌دهندگان) را در برمی‌گرفت. در بخش دوم، برای سنجش متغیر کارآفرینی اجتماعی از پرسش‌نامه استاندارد نگا و شاموگانانان^۱ (2010)، برای سنجش متغیر قابلیت فناوری اطلاعات از پرسش‌نامه استاندارد چن^۲ و دیگران (2015) و برای سنجش متغیر فرهنگ کار از پرسش‌نامه استاندارد کالیس و یوفاک^۳ (2019) استفاده شد. روایی ابزار به صورت محتوایی و روایی سازه و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ، پایایی اشتراکی، پایایی ترکیبی و پایایی اسپیرمن تأیید شد. برای آزمون فرضیات و روابط مدل و تحلیل مسیر، به دلیل آنکه داده‌های تحقیق مطابق با آزمون چولگی خارج از بازه^۳ + و -۳ و کشیدگی خارج از بازه^۵ + و -۵ قرار دارد، از توزیع نرمال تبعیت نمی‌کند. بنابراین مطابق با دیدگاه هیر، سارستد، پیپر و رینگل^۴ (2012)، از مدل سازی معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار PLS، استفاده شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

داده‌های پژوهش پس از جمع‌آوری و انجام پیش‌پژوهش و غربالگری مورد ارزیابی قرار گرفت.

1. Nga & Shamuganathan
2. Chen
3. Çalıř & Küçükali
4. Hair, Sarstedt, Pieper & Ringle

جدول ۱ نشان‌دهنده ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش است.

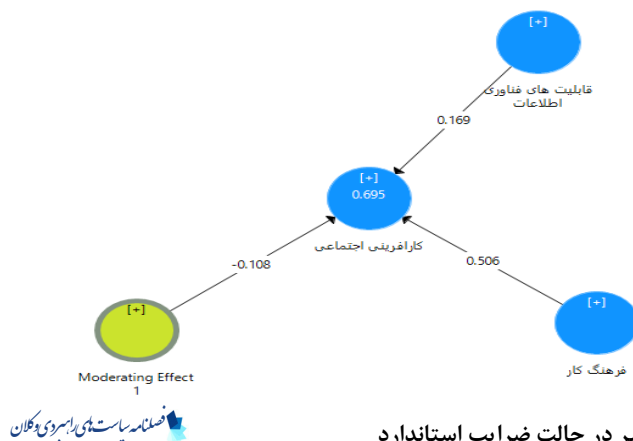
جدول ۱. آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

جنسیت	مرد	۷۹/۵۸
	زن	۲۰/۴۲
تحصیلات	کارشناسی و بالاتر	۸۴/۸۱
	کمتر از کارشناسی	۱۹/۱۵
سابقه کاری	۱ تا ۵ سال	۳/۱۴
	۶ تا ۱۰ سال	۱۵/۱۸
	۱۱ تا ۱۲ سال	۳۲/۴۶
	بالاتر از ۱۵ سال	۴۹/۲۲
	زیر ۳۰ سال	۱۷/۸۰
سن	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۳۵/۰۸
	بین ۴۱ تا ۵۰	۲۷/۷۵
	بالاتر از ۵۰	۱۹/۳۷

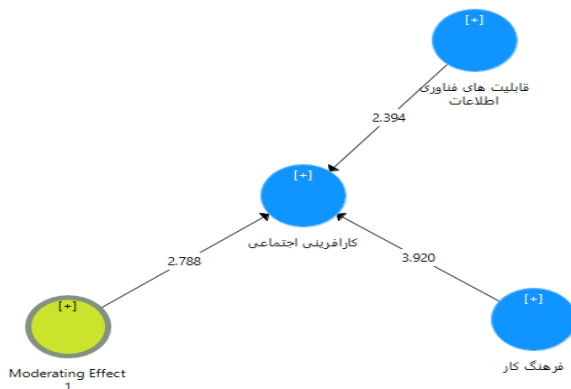
براساس نتایج تحلیل توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ۲۰/۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان زن و ۷۹/۵۸ درصد مرد هستند. به لحاظ میزان تحصیلات، ۸۴/۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی و بالاتر هستند. از نظر سابقه کاری، ۳/۱۴ درصد از پاسخ‌دهندگان تا ۵ سال، ۱۵/۱۸ درصد تا ۱۰ سال، ۳۲/۴۶ درصد ۱۵ سال و ۴۹/۲۲ درصد بالاتر از ۱۵ سال سابقه کاری دارند. به لحاظ سنی نیز، ۱۷/۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان زیر ۳۰ سال، ۳۵/۰۸ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۷/۷۵ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۹/۳۷ درصد بالاتر از ۵۰ سال هستند. همچنین در این تحقیق، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و بررسی پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای مستقل (قابلیت‌های فناوری اطلاعات) و تعدیلگر (فرهنگ کار) در رفتار مسئله پژوهش یعنی (کارآفرینی اجتماعی) از مدل‌سازی معادلات ساختاری و به‌طور اخص تحلیل مسیر استفاده شده است.

بنابراین تحلیل مسیر (مدل ساختاری) تکنیکی است که روابط بین متغیرهای تحقیق (مستقل، تعدیلگر و وابسته) را به‌طور هم‌زمان نشان می‌دهد. هدف از تحلیل مسیر شناسایی علیت (تأثیر) بین متغیرهای مدل مفهومی تحقیق است. در مدل ساختاری زیر، روابط علی بین متغیرهای تحقیق در حالت معناداری و استاندارد ارائه شده است. مدل‌سازی معادلات

ساختاری واریانس محور تکنیکی است که به بررسی تأثیر متغیرهای مکنون می‌پردازد و میزان پیش‌بینی سازه درون‌زا را از طریق دیگر متغیرها نمایان می‌کند (Fornell & Bookstein, 1982).



شکل ۲. مدل تحلیل مسیر در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۳. مدل تحلیل مسیر در حالت معناداری

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش در دو مدل ضرایب معناداری و مدل ضرایب استاندارد براساس خروجی نرم‌افزار Smart PLS ارائه شده است. مطابق با مدل معناداری (شکل ۲) مشاهده می‌گردد که ضرایب معناداری هر دو فرضیه تحقیق خارج از بازه $-1/96$ و $1/96$ است. این بدین معناست که در سطح معنادار $0/05$ می‌توان با $0/99$ درصد احتمال فرضیه‌های پژوهش را تأیید کرد. بنابراین قابلیت فناوری اطلاعات و فرهنگ کار در پیش‌بینی کارآفرینی اجتماعی در شرکت‌های تعاونی معنادار است. در ادامه مطابق با الگوریتم مدل‌سازی معادلات

ساختاری واریانس محور، ابتدا به تحلیل یک‌جنس بودن سنجه‌های سازه براساس تحلیل عاملی تأییدی پرداختیم و سپس به بررسی مدل اندازه‌گیری تحقیق اقدام کردیم. بدین منظور اقدام به گزارش پایایی و روایی سازه مدل تحقیق نمودیم.

جدول ۲. تحلیل عاملی تأییدی

متغیر	سنجه	بارهای عاملی
قابلیت‌های فناوری اطلاعات	AQ1	۰/۸۱۵
	AQ2	۰/۹۰۹
	AQ3	۰/۹۰۶
	AQ4	۰/۸۶۹
	AQ5	۰/۸۸۹
	AQ6	۰/۷۸۹
	AQ7	۰/۸۴۳
	AQ8	۰/۸۱۲
	AQ9	۰/۸۹۶
کارآفرینی اجتماعی	BQ10	۰/۷۸۷
	BQ11	۰/۷۶۴
	BQ12	۰/۸۱۱
	BQ13	۰/۷۴۸
	BQ14	۰/۷۸۸
	BQ15	۰/۷۸۲
فرهنگ کار	CQ16	۰/۸۳۶
	CQ17	۰/۸۲۶
	CQ18	۰/۸۰۱
	CQ19	۰/۷۹۶
	CQ20	۰/۷۴۶
	CQ21	۰/۸۱۳

مطابق با نظر هیر و دیگران (2012)، بارهای عاملی تأییدی سنجه‌های هریک از سازه‌ها باید بیش از ۰/۷ باشد. براساس خروجی نرم‌افزار Smart PLS که در جدول ۲ گزارش شده است، تمامی سنجه‌ها بارهای عاملی بیش از ۰/۷ دارند. بنابراین یک‌جنس بودن سنجه‌های سازه‌های تحقیق تأیید شد.

جدول ۳. پایایی پژوهش

پایایی اشتراکی	پایایی ترکیبی	پایایی اسپیرمن	آلفای کرونباخ
۰/۶۴۵	۰/۹۱۶	۰/۸۹۱	۰/۸۹۰
۰/۷۷۱	۰/۹۴۴	۰/۹۳۰	۰/۹۲۶
۰/۵۸۴	۰/۸۹۴	۰/۸۶۱	۰/۸۵۷

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: محاسبات تحقیق)

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد ضرایب هر سه متغیر تحقیق (فرهنگ کار، قابلیت‌های فناوری اطلاعات و کارآفرینی اجتماعی) براساس پایایی اشتراکی ضریبی بیش از ۰/۵ دارد و همچنین ضرایب آزمون آلفای کرونباخ، پایایی اسپیرمن و پایایی ترکیبی بیش از ۰/۷ است و این بدان معناست که پایایی براساس این آزمون‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت مدل پژوهش از پایایی بالایی برخوردار است.

در گام بعد، مطابق با الگوریتم مدل‌سازی معادلات ساختاری واریانس‌محور، روایی سازه براساس روایی هم‌گرا و واگرا آزمایش شد. بدین منظور برای جلوگیری از سوگیری و هم‌بستگی بین شاخص‌های تحقیق، مبادرت به آزمون‌های فورنل - لارکر و ماتریس چندخصیصه و چندروش برای بررسی روایی واگرا، و مقایسه پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی برای روایی هم‌گرا کردیم.

جدول ۴. فورنل - لارکر

کارآفرینی اجتماعی	قابلیت‌های فناوری اطلاعات	فرهنگ کار
۰/۷۶۴	۰/۸۷۸	۰/۸۰۳
۰/۶۷۳	۰/۶۳۲	۰/۷۸۰

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: محاسبات تحقیق)

مطابق با دیدگاه هنسeler، رینگل و سیکوویز^۵ (2009)، AVE هر متغیر باید بالاتر از

5. Henseler, Ringle & Sinkovics.

هم‌بستگی مربع با هر متغیر دیگر باشد. خروجی نرم‌افزار در **جدول ۴** نشان از تأیید روایی واگرا از دیدگاه این آزمون دارد. همچنین **هنسلر، رینگل و سارستید^۶ (2015)** با استفاده از توسعه آزمون فورنل - لاکر، شاخصی مورد اطمینان و کامل‌تر برای تأیید روایی واگرا ارائه کردند. بنابراین مطابق با این دیدگاه، مبادرت به بررسی شاخص ماتریس چندخصیصه و چندروش برای اطمینان از عدم هم‌بستگی بحرانی بین شاخص‌های سازه‌ها در مدل کردیم.

جدول ۵. جدول ماتریس چندخصیصه و چندروش

کارآفرینی اجتماعی	قابلیت‌های فناوری اطلاعات	فرهنگ کار
فرهنگ کار		
قابلیت‌های فناوری اطلاعات	۰/۶۹۴	
کارآفرینی اجتماعی	۰/۸۸۹	۰/۷۵۱

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و حکان

(منبع: محاسبات تحقیق)

نتایج **جدول ۵** نشان می‌دهد ضریب هر دو متغیر با هم به‌صورت جداگانه کمتر از ۱ است؛ بنابراین مطابق با معادلات **هنسلر و دیگران (2015)**، هیچ نقاط بحرانی مشاهده نمی‌گردد و می‌توان روایی واگرا از دیدگاه این آزمون را تأیید کرد. در گام بعد، براساس معادلات ساختاری واریانس محور و مدل اندازه‌گیری تحقیق، به بررسی روایی هم‌گرا پرداختیم.

جدول ۶. مقایسه پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی^۷

	cr	AVE
فرهنگ کار	۰/۹۱۶	۰/۶۴۵
قابلیت‌های فناوری اطلاعات	۰/۹۴۴	۰/۷۷۱
کارآفرینی اجتماعی	۰/۸۹۴	۰/۵۸۴

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و حکان

(منبع: محاسبات تحقیق)

براساس گزارش **جدول ۶** و مطابق با نظر **هیر، سارستید، هاپکینز و کوپلویزر^۸ (2014)**، شاخص و است. همچنین $CR > AVE$ هست. بنابراین روایی هم‌گرای مدل تأیید می‌گردد.

-
- Henseler, Ringle & Sarstedt
 - Average Variance Extracted (AVE) < Composite Reliability
 - Hair, Sarstedt, Hopkins & Kuppelwieser

در ادامه به بررسی میزان R^2 مسئله پرداختیم. این شاخص از صفر تا ۱ متغیر است و دقت پیش‌بینی مسئله تحقیق را نشان می‌دهد و بیانگر تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زاست. مقادیر ۰,۱۹, ۰,۳۳, و ۰,۶۷ به ترتیب به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی شده است (Henseler et al., 2009).

جدول ۷. پیش‌بینی مسئله تحقیق

مسئله پژوهش	ضریب
کارآفرینی اجتماعی	۰/۶۹۵



(منبع: محاسبات تحقیق)

مطابق با نتایج جدول ۷، ضریب کارآفرینی اجتماعی، به‌عنوان مسئله پژوهش، بیش از ۰/۶۷ است و این بدان معناست که مسئله تحقیق به‌وسیله متغیر مستقل قابلیت فناوری اطلاعات و متغیر تعدیلگر فرهنگ کار در سطح قوی پیش‌بینی می‌شود که نشان از ارزشمند بودن فرضیه‌های تحقیق دارد.

۵-۱. تحلیل تعدیلگر

برای تحلیل نقش تعدیلگر فرهنگ کار در رابطه بین قابلیت‌های فناوری اطلاعات با کارآفرینی اجتماعی مطابق با الگوریتم مدل‌سازی معادلات ساختاری و آریانس‌محور، مبادرت به روش interaction کردیم. نتایج آن براساس خروجی مدل تحقیق از نرم‌افزار Smart PLS در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸. تحلیل متغیر تعدیلگر (فرهنگ کار)

نقش تعدیلگر (فرهنگ کار)	ضریب مسیر	مقدار معناداری t-values
قابلیت فناوری اطلاعات و کارآفرینی اجتماعی (با حضور تعدیلگر)	-۱/۰۸	۲/۷۸۸
قابلیت فناوری اطلاعات و کارآفرینی اجتماعی (بدون حضور تعدیلگر)	۰/۶۷۷	۸/۲۷۸



(منبع: محاسبات تحقیق)

نتایج تحلیل تعدیلگر مطابق با **جدول ۸** نشان می‌دهد ضریب معناداری فرهنگ کار (۲/۷۸۸) خارج از بازه (۱/۹۶- و ۱/۹۶) است. بنابراین نقش تعدیلگر فرهنگ کار در رابطه بین قابلیت‌های فناوری اطلاعات و کارآفرینی اجتماعی تأیید شد. منفی بودن ضریب مسیر (۰,۱۰۸-) به این معناست که فرهنگ کار رابطه بین متغیر قابلیت‌های فناوری اطلاعات با کارآفرینی اجتماعی را در شرکت‌های تعاونی تولیدی تضعیف می‌کند.

۲-۵. برازش مدل تحقیق

برای تعیین برازش مدل اندازه‌گیری مطابق با نظر **هیر و دیگران (2012)** مبادرت به آزمون کیفیت اندازه‌گیری مدل کردیم. این آزمون جایگزین شاخص‌های نیکویی و برازش در نرم‌افزارهای کوواریانس‌محور است که نتایج آن قابل مشاهده است.

جدول ۹. کیفیت^۹ مدل اندازه‌گیری تحقیق

فرهنگ کار	۰/۴۷۶
قابلیت‌های فناوری اطلاعات	۰/۶۱۲
کارآفرینی اجتماعی	۰/۴۰۵

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: محاسبات تحقیق)

مطابق با نتایج خروجی نرم‌افزار، ضرایب هر سه متغیر تحقیق بیش از ۰/۳۵ است؛ بنابراین مدل پژوهش در سطح قوی تأیید می‌شود.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مدل ساختاری تحقیق در حالت ضرایب معناداری مشاهده می‌شود که میزان آماره t بین دو متغیر قابلیت فناوری اطلاعات و کارآفرینی اجتماعی شرکت‌های تعاونی‌های تولیدی خارج از بازه (۱/۹۶ و ۱/۹۶-) است؛ لذا فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. میزان این تأثیر نیز برابر با ۰/۱۶۹ است. نگاهی تطبیقی به مطالعات پیشین و دستاوردهای این تحقیق بیانگر آن است که **پیرس و دیگران (2019)** استفاده از فناوری اطلاعات را جهت ارتقای سطح کارآفرینی اجتماعی مثبت ارزیابی کرده‌اند و نتایج ما نیز این دستاورد را تأیید می‌کند و همسو با آن قرار دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر نقش قابلیت‌های موجود در فناوری اطلاعات جهت افزایش عملکرد کارآفرینان اجتماعی را در این زمینه نیز برجسته می‌کند. **اسماعیل و دیگران (2012)** که از طریق پژوهشی اکتشافی و کیفی به نقش مثبت

9. Construct Crossvalidated Communnality

فناوری اطلاعات در کارآفرینی اجتماعی رسیده بودند، استدلال کرده‌اند که سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید در افزایش عملکرد مثبت در کارآفرینی اجتماعی اثرگذار است. این استدلال با یافته‌های مقاله حاضر نیز همخوانی دارد و به نظر می‌رسد این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند در قابلیت‌های نو در حوزه فناوری اطلاعات همچون یکپارچه‌سازی فناوری اطلاعات، انعطاف‌پذیری در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، هم‌ترازی در کسب و کارهای فناوری اطلاعات و مدیریت فناوری اطلاعات، نقش داشته باشد.

براساس نتایج مدل پژوهش، ملاحظه می‌شود که آماره t بین دو متغیر فرهنگ کار و کارآفرینی اجتماعی خارج از بازه (۱/۹۶ و -۱/۹۶) است و ضریب مسیر آن نیز ۰/۵۰۹ است. همچنین نتایج تحلیل تعدیلگر فرهنگ کار حاکی از آن است که ضریب t آن خارج از بازه (۱/۹۶ و -۱/۹۶) است. بر این مبنای، فرهنگ کار بر رابطه بین قابلیت‌های فناوری اطلاعات و کارآفرینی اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این دستاورد و نوآوری پژوهش به ادبیات تحقیق و غنی‌سازی مبانی نظری کارآفرینی اجتماعی نیز کمک می‌کند. در این زمینه، **یوگی و فرینالدی (۲۰۲۰)** به نقش فرهنگ کار در ارتقای اثربخشی و کارآمدی فعالیت‌های کارآفرینی اشاره می‌کنند. مطابق با نتایج مقاله حاضر، متغیر فرهنگ کار در رابطه بین استفاده از فناوری اطلاعات در بخش کارآفرینی اثرگذار است.

بنابراین به نظر می‌رسد نیازمند پژوهش‌هایی برای درک بیشتر اثر فرهنگ کار بر حوزه کارآفرینی و مخصوصاً بر حوزه‌های کاری مرتبط با قابلیت‌های فناوری اطلاعات هستیم. همچنین منفی بودن نتایج ضریب مسیر تحلیل تعدیلگر (-۱/۰۸) نشان می‌دهد فرهنگ کار در تعاونی‌های تولیدی رابطه قابلیت‌های فناوری اطلاعات با کارآفرینی اجتماعی را تضعیف می‌کند و در شرایط مناسبی نیست. برپایه نتایج، در وضعیت کنونی، فرهنگ کار حاکم بر تعاونی‌های تولیدی استان تهران فرهنگ مطلوبی نیست و اثر قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی را تضعیف می‌کند. این تحقیق تلاشی اثبات‌گرا در جهت تأثیر به‌کارگیری قابلیت‌های فناوری اطلاعات و فرهنگ کار بر کارآفرینی اجتماعی به‌عنوان یکی از رویکردهای کارآفرینی در حوزه اجتماعی، از سیاست‌های کلی بخش اشتغال است. از این حیث، نتایج این پژوهش اطلاعات ارزشمند و مفیدی را در اختیار تصمیم‌سازان قرار می‌دهد و به دانش موجود پیرامون این سیاست‌های کلی می‌افزاید. بنابراین سیاست‌گذاران دولتی در راستای تحقق سیاست‌های بخش اشتغال باید به موضوع کارآفرینی اجتماعی ورود کنند و آن را در کشور فعال نمایند تا از این طریق به تحقق اهداف سیاست‌های کلی بخش اشتغال کمک شود. فعال‌سازی کارآفرینی اجتماعی مخصوصاً در حوزه شرکت‌های تعاونی نیازمند سیاست‌های حمایتی و نظارتی بخش دولتی است.

۷. پیشنهادها

پیشنهاد‌های این پژوهش در دو بخش و با دو رویکرد ارائه شده است. در رویکرد اول، پیشنهاد‌های سیاستی برای خط‌مشی‌گذاران و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، و در بخش دوم با رویکرد بنگاهی، پیشنهاد‌هایی برای بهره‌گیری تعاونی‌های تولیدی به‌عنوان مورد مطالعه و بهره‌برداران نتایج این پژوهش مطرح شده است.

در راستای تقویت قابلیت‌های فناوری اطلاعات برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بخش تعاون به استناد بند ۱۱ سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی مبنی بر شفاف‌سازی و به‌هنگام‌سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری در رشته‌های مختلف و مقابله جدی با استفاده از هرگونه دسترسی اطلاعاتی ویژه، بند ۴ سیاست‌های کلی اشتغال مبنی بر ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار، بند ۶ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش و احکام برنامه ششم توسعه پیشنهاد می‌شود:

۱. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری اتاق تعاون و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نسبت به طراحی سامانه جامع اطلاعات تعاونی‌های کشور و معرفی توانمندی‌های ایشان به سایر بخش‌های اقتصادی کشور اقدام نماید.
۲. در پیگیری اجرای ماده ۲۴ قانون برنامه ششم، پیگیری لازم جهت استقرار سامانه‌های اطلاعاتی مربوطه و ارتباط و اتصال این سامانه‌ها در بستر شبکه ملی اطلاعات فراهم گردد.
۳. در اجرای مواد ۲۴ و ۶۸ قانون برنامه ششم توسعه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتاق تعاون جمهوری اسلامی، بانک توسعه تعاون و دیگر دستگاه‌های خدمات‌دهنده به بخش تعاونی اهتمام بیشتری در توسعه فرایندهای دولت الکترونیک و پاسخ‌گویی الکترونیک خود مبذول دارند.
۴. در جایزه ملی دولت الکترونیک، بخشی نیز به ارزیابی خدمات الکترونیک ارائه‌شده به بخش تعاونی پیش‌بینی شود و از دستگاه‌های فعال در این عرصه تقدیر گردد.
۵. از آنجا که بسیاری از تعاونی‌های فعال در حوزه کارآفرینی اجتماعی در روستاها مستقر هستند، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات حداکثر مساعی خود را در جهت توسعه عدالت ارتباطی و تحقق بند ۲ ماده ۶۷ قانون برنامه ششم، مبنی بر امکان ارائه حداقل چهار خدمت الکترونیک اصلی دولت (سلامت، آموزش، کشاورزی و بانکی)، در ۸۰ درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار کشور مصروف نماید.

در راستای توسعه فرهنگ کار اسلامی - ایرانی و افزایش قابلیت اثرگذاری آن بر توسعه کارآفرینی اجتماعی و موفقیت بخش تعاون کشور به استناد بندهای ۳۳ و ۶۹ تا ۷۳ سیاست‌های کلی برنامه ششم، بند ۲۰ و ۲۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بند ۱۵ سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی و بند ۱ سیاست‌های کلی اشتغال پیشنهاد می‌گردد:

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی با بهره‌گیری از ظرفیت دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای، سند جامعی را برای توسعه فرهنگ کار و اشتغال مولد تدوین کند و سهم هر یک از دستگاه‌های فرهنگی را در اجرای این سند مشخص نماید.

۲. صدا و سیما جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از ظرفیت هنرمندان برجسته و خلاق کشور نسبت به تولید آثار رسانه‌ای جذاب در شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی جهت ترویج فرهنگ کار با رویکرد اسلامی، مدیریت جهادی در تولید و اشتغال، گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی، ترویج سبک زندگی و الگوی مصرف ایرانی - اسلامی اقدام نماید.

۳. از ظرفیت فعالان شبکه‌های تلویزیونی اینترنتی و رسانه‌های اجتماعی برای تولید محتوای بومی و جذاب در ترویج موارد فوق استفاده شود.

۴. در جشنواره‌های فرهنگی و هنری در بخش ویژه‌ای، از بهترین آثار تولیدشده در این حوزه تقدیر گردد.

۵. موضوع ارزش‌آفرینی برای کار و اشتغال مولد در سند مهندسی فرهنگی کشور و پیوست‌های آن مورد توجه قرار گیرد.

۶. در برنامه‌های آموزشی و پرورشی مدارس و دانشگاه‌ها، ترویج فرهنگ کار با رویکرد اسلامی مندرج شود. وزارت‌های آموزش و پرورش، و علوم، تحقیقات و فناوری نسبت به تدوین دستورالعمل‌های جداگانه برای ترویج روحیه کار و کارآفرینی در مراکز زیرمجموعه خود اقدام نمایند.

در راستای توسعه کارآفرینی اجتماعی با نقش‌آفرینی پررنگ‌تر بخش تعاونی و به استناد بندهای ۲۰ و ۲۱ سیاست‌های کلی برنامه ششم در حوزه توسعه روستایی و بند ۴۱ آن مبنی بر خوداتکایی قشرهای محروم، بند ۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر فراهم‌سازی زمینه‌ها و امکانات کارآفرینی با تأکید بر قشرهای متوسط و کم‌درآمد، بندهای ۸ و ۹ سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی مبنی بر توسعه نقش‌آفرینی بخش تعاونی، بندهای ۲ و ۱۱ سیاست‌های کلی اشتغال و بندهای ۲ و ۶ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پیشنهاد می‌شود:

۱. دولت به منظور تحقق بند «ز» ماده ۴ قانون برنامه ششم توسعه در راستای تدوین سند ملی کار شایسته و حمایت از کارآفرینان اجتماعی بخش تعاون به منظور کاهش نرخ بیکاری پیش‌بینی شده در بند مزبور پیگیری جدی به عمل آورد.
 ۲. توسعه کارآفرینی اجتماعی در راستای تحقق هدف افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور وفق ماده ۲۴ قانون برنامه ششم توسعه و با مشارکت دستگاه‌های مصرح در آن ماده صورت گیرد.
 ۳. اعتبارات حمایتی ویژه‌ای از طریق صندوق توسعه ملی و با عاملیت بانک توسعه تعاون جهت حمایت از طرح‌های موفق کارآفرینی اجتماعی به‌ویژه در حوزه توسعه روستایی و مناطق محروم، حمایت از قشرهای محروم و آسیب‌پذیر (همچون زنان سرپرست خانوار، افراد دارای سوء پیشینه و...) پیش‌بینی شود.
 ۴. مجلس شورای اسلامی با بهره‌گیری از ظرفیت کارشناسی صاحب‌نظران بخش تعاون و مرکز پژوهش‌ها، نسبت به آسیب‌شناسی قوانین حمایت از کارآفرینی اجتماعی و اصلاح و تکمیل قوانین موجود و یا تدوین قوانین جدید اقدام نماید.
 ۵. در روز تعاون و آیین تقدیر از تعاونگران برتر، جایزه ویژه‌ای به تعاونگران اجتماعی اختصاص یابد.
- در رویکرد دوم، با تکیه بر نتایج این پژوهش و با توجه به نقش مؤثر قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر کارآفرینی اجتماعی در تعاونی‌های تولیدی پیشنهاد می‌شود مدیرانی که به دنبال رشد و توسعه کارآفرینی اجتماعی در شرکت‌های تعاونی‌های تولیدی هستند، برای تسهیل فرایند فعالیت‌های مربوط به این ابعاد در شرکت و افزایش دسترسی به اطلاعات دقیق و لازم برای توسعه آن‌ها، به قابلیت‌های فناوری اطلاعات در شرکت‌های تعاونی خود توجه کنند و بودجه لازم را برای به‌کارگیری آن در واحدهای مربوط اختصاص دهند. همچنین مسئولان و کارشناسان ماهر و خیره‌فرایندها، ساختار، کارکردها و اهداف تعاونی‌های تولیدی را ارزیابی، طراحی مجدد و نوسازی کنند؛ به‌گونه‌ای که شرکت جهت غلبه بر تغییرات، آمادگی لازم و کافی را از طریق به‌کارگیری قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ایجاد فرهنگ کار پویا داشته باشد. مدیران شرکت‌های تعاونی می‌توانند علاوه بر تجزیه و تحلیل اطلاعات کلیدی و بهینه‌سازی تصمیمات راهبردی، از فناوری اطلاعات به‌عنوان ابزاری برای تسلط بر فناوری‌های نوین در جهت جذب بازارها و مشتریان جدید استفاده کنند. از آنجا که این تحقیق از حیث هدف کاربردی است و مورد مطالعه هم شرکت‌های تعاونی تولیدی است، در این راستا پیشنهادهای کاربردی زیر برای شرکت‌های تعاونی مطرح می‌شود: ۱-

۱. روابط شرکت‌های تعاونی با دیگر سازمان‌ها با رویکرد الکترونیک بازطراحی شود.
 ۲. برقراری ارتباطات مجازی و الکترونیک مبتنی بر فناوری اطلاعات بین شرکت‌های تعاونی با تأمین‌کنندگان، مشتریان و دولت به صورت یک رویه پویا درآید. در این راستا، شرکت‌های تعاونی نیازمند بازمهندسی و بازطراحی در تکنولوژی‌های خود هستند.
 ۳. روابط جدید کاری برپایه طراحی متقابل سیستم‌های اطلاعاتی بین شرکت‌های تعاونی شکل گیرد.
 ۴. حوزه فعالیت‌های سازمان از طریق جایگزینی قابلیت‌های سنتی با مهارت‌های ناشی از فناوری اطلاعات تغییر کند.
 ۵. سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر قابلیت‌های فناوری اطلاعات نقش استراتژیک در پیشبرد فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی داشته باشند.
 ۶. به کارگیری فناوری اطلاعات امکان خدمت‌رسانی به مرزهای فرا استانی را برای شرکت‌های تعاونی فراهم سازد.
- از سویی تحلیل متغیر تعدیلگر (فرهنگ کار) نشان داد فرهنگ کار در تعاونی‌های تولیدی در شرایط مطلوبی نیست.

تغییر فرهنگ نیازمند تحول در سیاست‌ها و ارزش‌های حاکم در درون شرکت است. بدین منظور مدیران شرکت‌های تعاونی باید در جهت ارتقای فرهنگ کار در این سازمان‌ها اقدام نمایند. به منظور شناسایی عوامل مؤثر و موانع فرهنگ کار در شرکت‌های تعاونی تولیدی استفاده از پانل خبرگان مدیریتی و دانشگاهی پیشنهاد می‌گردد.

در راستای پیشنهادهای آتی نیز توصیه می‌شود پژوهشگران به بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در شرکت‌های تعاونی‌های بپردازند. در جهت بومی‌سازی و توجه به زیست طبیعی نیز پیشنهاد می‌شود فرهنگ کار اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین محققان آتی می‌توانند از طریق پژوهش کیفی به شناسایی عوامل بازدارنده و الزامات حمایتی دولتی در جهت تحقق کارآفرینی اجتماعی بپردازند.

تحقیق حاضر نیز، مانند هر پژوهشی، محدودیت‌هایی داشت که میزان نتایج تعمیم‌پذیری آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از محدودیت‌های تحقیق می‌توان به مقطعی بودن قلمروی زمانی تحقیق (در شهریور ۱۳۹۸ انجام شد) اشاره کرد؛ بنابراین به دلیل مقطعی بودن جمع‌آوری داده‌های پژوهش، تعمیم‌پذیری آن در دوره‌های زمانی نیازمند پژوهش‌های جدید است. بدین جهت تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق با محدودیت توأم است. از دیگر محدودیت‌های

تحقیق ابزار جمع‌آوری داده‌هاست که صرفاً پرسش‌نامه بوده که این امر دسترسی به پاسخ‌های عمیق‌تر را با محدودیت مواجه می‌کند. همچنین عدم همکاری پویا و دسترسی آسان به مدیران شرکت‌های تعاونی، به دلیل مشغولیت کاری مدیران، از دیگر محدودیت‌های پژوهش بوده است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Astaraki, S., Yazdani, H., Hakim, A., & Kordnasij, A. (2018). "A plan for using the potentialities of IT in implementing strategies". *Journal of Science and Technology Policy*, 8(4), 5-15. from: http://stpl.ris̄tip.sharif.ir/article_21422.html. (Persian)
- Belitski, M., & Khalil, S. (2020). "Dynamic capabilities for firm performance under the information technology governance framework". *European Business Review*,(2)32 129-157.
- Bacq, S., & Eddleston, K. A. (2018). "A resource-based view of social entrepreneurship: how stewardship culture benefits scale of social impact". *Journal of Business Ethics*, 152(3), 589-611.
- Çalış, S., & Küçükali, U. F. (2019). "The work safety culture as a subculture: The structure of work safety culture in Turkey". *Procedia Computer Science*, 158(3), 546-551.
- Çalış, S., & Küçükali, U. F. (2019). "The work safety culture as a subculture: The structure of work safety culture in Turkey". *Procedia Computer Science*, 158, 546-551.
- Cohen-Tannoudji, C., Dupont-Roc, J., & Grynberg, G. (1998). *Atom-photon interactions: basic processes and applications*.
- Chell, E., Nicolopoulou, K., & Karatas-Ozkan, M. (2010). "Social entrepreneurship and enterprise: International and innovation perspectives". *Entrepreneurship & Regional Development*, 22(6), 485-493.
- Chen, Y., Wangb, Y., Nevo, S., Benitez-Amado, J., & Kou, G. (2015). "IT capabilities and product innovation performance: The roles of corporate entrepreneurship and competitive intensity". *Information & Management*, 52(6), 643-657.
- Dzombak, R., Mouakkad, S., & Mehta, K. (2016). "Motivations of Women Participating in a Technology-Based Social Entrepreneurship Program". *Advances in Engineering Education*, 5(1), 1-28.
- Ezati, M., Heidari, H., & Moridi, P. (2020). "Analyzing the effect of economic sanctions on production and employment in the industries of Iran". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 8(29), 38-65. (Persian)
- Fazeli, F., Toolabi, Z., & Pourashraf, P. (2019). "Challenges and strategic social activities of social entrepreneurs: the case of social service organization of Ilam". *Social Development and Welfare Planning*, 10(39), 30-55. (Persian)
- Fallah Haghghi, N., Haji Hosseini, H., Ramezanzpour Nargesi, Gh., & Davari, A. (2017). "Analyzing the effective factors of developing entrepreneurship in IT areas". *Journal of Technology Development Management*, 5(1), 65-92. from: <http://jtdm.irošt.ir/>

[article_634.html](#). (Persian)

- Figueiredo, V., & Franco, M. (2018). "Wine cooperatives as a form of social entrepreneurship: Empirical evidence about their impact on society". *Land Use Policy*, 79, 812-821.
- Hair, J. F., Sarstedt, M., Hopkins, L., & Kuppelwieser, V. G. (2014). "Partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM): An emerging tool in business research". *European Business Review*, 26(2), 106-121.
- Hair, J. F., Sarstedt, M., Pieper, T. M., & Ringle, C. M. (2012). "The use of partial least squares structural equation modeling in strategic management research: A review of past practices and recommendations for future applications". *Long Range Planning*, 5, Nos 5/6, 320-340.
- Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M. & Sarstedt, M. (2014). *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling*. Sage, Thousand Oaks, CA.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). "The use of partial least squares path modeling in international marketing". *Advances in International Marketing*, 20, 277-320.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2015). "A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling". *Journal of the Academy of Marketing Science*, 43(1), 115-135.
- Hosseini, M., Karimi, J., & Zardashtian, Sh. (2017). "The relationship between IT and communication with organizational entrepreneurship and change management from the perspective of staffs in sport organization of Kermanshah province". *Communication Management in Sport Media*, 4(16), 35-42. from: http://sportmedia.journals.pnu.ac.ir/article_4097.html. (Persian)
- Hosseini Golafshani, A., & Samadzadeh, M. (2018). "The effect of information technology structures based on entrepreneurship in social media: the case of IT company of Karnow". *Journal of Sociology of Education*, 6(6), 126-140. from: http://www.iase-jrn.ir/article_43690.html. (Persian)
- Ismail, K., Sohel, M. H., & Ayuniza, U. N. (2012). "Technology social venture: A new genre of social entrepreneurship?". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 40, 429-434.
- Fornell, C. G., & Bookstein, F. L. (1982). "Two structural equation models: LISREL and PLS applied to consumer exit-voice theory". *Journal of Marketing Research*, 19(4), 440-452.
- Lan, H., Zhu, Y., Ness, D., Xing, K., & Schneider, K. (2014). "The role and characteristics of social entrepreneurs in contemporary rural cooperative development in China: case studies of rural social entrepreneurship". *Asia Pacific Business Review*, 20(3), 379-400.

- Lyver, M. J., & Lu, T. J. (2018). "Sustaining innovation performance in SMEs: Exploring the roles of strategic entrepreneurship and IT capabilities". *Sustainability*, 10(2), 442-467.
- Malunga, P., Gervase, C., & Virimai Mugobo, V. (2014). "Social Entrepreneurs and Community Development. A Literature Analysis". *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5(16), 18-45.
- Nega, B., & Schneider, G. (2014). "Social Entrepreneurship, Microfinance, and Economic Development in Africa". *Journal of Economic*, Vol. XLVIII, 367- 387.
- Nga, J. K. H., & Shamuganathan, G. (2010). "The influence of personality traits and demographic factors on social entrepreneurship start up intentions". *Journal of Business Ethics*, 95(2), 259-282.
- Pearce, J., Grafman, L., Colledge, T., & Legg, R. (2019). *Leveraging information technology, social entrepreneurship, and global collaboration for just sustainable development*. Hal.
- Safiri, Kh., Ataollahi, F., & Abedini Saniji, M. (2013). "Analyzing the effective factors on work culture among the faculty members: the case of Alzahra and Shahid Beheshti universities". *Journal of Research in Educational Systems*, 22(1), 101-144. from: http://www.jiera.ir/article_52112.html. (Persian)
- Stephan, U., & Drencheva, A. (2017). "The person in social entrepreneurship: A systematic review of research on the social entrepreneurial personality". *The Wiley Handbook of Entrepreneurship*, 17(2), 205-229.
- Sengupta, S., Sahay, A., & Croce, F. (2018). "Conceptualizing social entrepreneurship in the context of emerging economies: An integrative review of past research from BRIICS". *International Entrepreneurship and Management Journal*, 14(4), 771-803.
- Song, M., Nason, R. W., & Di Benedetto, C. A. (2008). "Distinctive marketing and information technology capabilities and strategic types: A cross-national investigation". *Journal of International Marketing*, 16(1), 4-38.
- Song, M., Nason, R. W., & Di Benedetto, C. A. (2008). "Distinctive marketing and information technology capabilities and strategic types: A cross-national investigation". *Journal of International Marketing*, 16(1), 4-38.
- Skica, T., Bem, A., & Żygadło, K. (2013). "The role of local government in the process of entrepreneurship development". e-Finanse: *Financial Internet Quarterly*, 9(4), 1-24.
- Wannamakok, W., & Chang, Y. Y. (2020). "Institutional Environments and Social Entrepreneurial Intentions: A Case of Thailand". *Review of Integrative Business and Economics Research*, 9(1), 97-111.
- Weerakoon, Ch., McMurray, A., Rametse, N., & Douglas, H. (2016). "The Nexus between

Social Entrepreneurship and Social Innovation". *ACERE Conference, Gold Coast*. 3-5 February, 2016, 1-16.

Yogi, M., & Frinaldi, A. (2020, March). "Influence work culture, integrity and information technology of employee performance in the office of the ministry of religion, sungai penuh city". In *International Conference on Public Administration, Policy and Governance*, 125(2), 273-280.